

نقد کتاب دانشگاه ایرانی: درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی

علیمحمد صادقی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

کتاب ماه علوم اجتماعی

1- معرفی کتاب:

چاپ دوم کتاب «دانشگاه ایرانی: درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی»

تألیف دکتر غلامرضا ذاکر صالحی در سال 1384 منتشر شد و چاپ سوم آن

در دست انتشار است. این کتاب در 312 صفحه توسط انتشارات کویر منتشر

شده است. شمارگان این کتاب 1100 نسخه و قیمت آن 28000 ریال است

● دانشگاه ایرانی: درآمدی

بر جامعه‌شناسی آموزش عالی

● دکتر غلامرضا ذاکر صالحی

● انتشارات کویر

● چاپ دوم، 1384، 1100 نسخه، 312 صفحه، 2800

تومان

این کتاب توانست در سال گذشته جایزه برترین کتاب سال دانشجویی را در

حوزه علوم انسانی کسب کند. مؤلف در پیشگفتار خود می‌نویسد:

آموزش عالی نقطه تلاقی سه قلمرو فرهنگ، قدرت و دانش است. بی‌تردید

نظام آموزشی در ظرف جامعه و فرهنگ عمل می‌کند و با آن داد و ستد مستمر

دارد. گرچه جریان رسمی آموزش معمولاً، به کارکردهای ضمنی و پنهان خود

بی‌اعتناست، اما این امر نافی اهمیت ابعاد فرهنگی و اجتماعی آموزش نیست.

تعلیم و تربیت ارائه یک سری مهارت‌های خنثی به فراگیرندگان نبوده و کارکرد

آن آزمون‌گیری و صدور گواهینامه نیست بلکه فراگیر را به ویژه در نظام

آموزش عالی با گفتمان‌ها و روش‌های جدید و نحوه کاربرد دانش در سطح

جامعه درگیر می‌کند.

از دیگر نقش‌ها و کارکردهای آموزش عالی می‌توان عمق بخشیدن به

نگرش‌های علمی و فرهنگی، تعمیق فرهنگ گفتگو، مدارا و کار جمعی، ارتقای

تنوع و غنای فرهنگی و نظریه‌پردازی برای حل مسایل و بحران‌های جهانی را

نام برد. همچنین آموزش عالی، رسالت‌هایی چون آماده‌کردن جامعه برای

برخورد ریشه‌ای با مسایل و مشکلات و کاویدن جنبه‌های نظری، فرهنگی،

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها و مشارکت در حل و فصل آسیب‌ها و تدوین

سیاست و راهبرد برای مقابله با آنها را برعهده دارد.

دانشگاه به عنوان یک نهاد پیچیده فرهنگی و یک کانون هنجارفرست به انتظام

بخشی اخلاقی و اجتماعی جامعه کمک می‌کند و در جهت بهبود کیفیت

زندگی و حفظ پویایی و نشاط در جامعه برای خود مسئولیت‌هایی قایل است.

این نهاد بزرگ اجتماعی همچنین به عنوان هسته پیشتاز تحولات عمل نموده،

از طریق رصد کردن تغییرات اجتماعی و فرهنگی به ویژه در عرصه علم و

فناوری، جامعه را برای تسلط بر رویدادهای مبهم آینده توانمند و مهیا می‌کند.

(ص 10 کتاب)

نویسنده در جای دیگر آورده است « جامعه‌شناسی آموزش عالی که از درون

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش سر برآورده و به نوعی حوزه مطالعاتی مستقلی

را در سال‌های اخیر شکل داده است عهده‌دار تبیین و توضیح نقش، کارکرد و

تأثیرات اجتماعی نظام آموزش عالی است. مسأله نخست این است که چگونه

دانش در آموزش عالی تولید و بسته‌بندی و سازماندهی و ارائه می‌شود و این

بسط و تکامل می‌یابند و چه کارکردهایی دارند؟

دانش‌ها چگونه می‌توانند زندگی مردم را بهبود بخشند؟ نقش دانشگاه در

خرده فرهنگ دانشگاهی چه ویژگی‌هایی دارد و هنجارهای آن کدام‌اند؟ آزادی

تغییرات اجتماعی چیست و این نهاد در توسعه جوامع چه وظیفه‌ای را ایفا

علمی و استقلال دانشگاه‌ها و بسیاری مسایل دیگر می‌تواند در قلمرو این حوزه

می‌کند؟ تأثیر آموزش عالی بر نظام قشربندی اجتماعی، کاهش یا افزایش

مطالعاتی قرار گیرد.» (همان، ص 10)

نابرابری، تحرک اجتماعی، نظام تقسیم کار و اشتغال و... چیست؟ دانشگاه و

به اعتقاد نگارنده، مطالعات جامعه‌شناسی آموزش عالی با مشکلات فراوانی

جامعه چه تعاملی با یکدیگر دارند؟ اجتماعات علمی و

مواجه است، زیرا از یک سو پژوهشگر باید از فضای آموزش عالی فاصله بگیرد

دانشگاهی، گروه‌ها و شبکه‌های علمی - دانشگاهی چگونه شکل می‌گیرند و

تا بتواند مطالعه واقع‌بینانه و بی‌طرفانه‌ای را سامان دهد و از سوی دیگر چنین

پژوهشگری به اقتضای حرفه خود نمی‌تواند درگیر نظریات و رویکردها و

پارادایم‌های متداول در جامعه دانشگاهی نباشد. در اکثر موارد پژوهشگر خود

عضوی از جامعه آموزش عالی است.

مشکل عمیق‌تر در این زمینه آن است که صورت‌بندی اجتماعی و

صورت‌بندی‌های معرفتی و شناختی به گونه‌ای درهم آمیخته‌اند که تفکیک آنها

از یکدیگر مشکل است. به ویژه آنجا که تحلیل اجتماعی به دانشمندان و

استادان مربوط می‌شود، رفتار و کنش آنان توأمان تحت تأثیر آمیزه‌ای از

ادعاهای معرفتی و مقوله‌های اجتماعی است، ضمن آنکه به تعبیر مایکل

مولکی، همین ادعاهای معرفتی می‌تواند تحت تأثیر مسایل اجتماعی و یا حتی

منافع مستقر اجتماع تخصصی آنان باشد.

پس کنش دانشگاه همیشه ریشه در هنجارهای خالص علمی ندارد زیرا

شکل‌گیری دانش و به تبع آن آموزش عالی از یک فرآیند اجتماعی تبعیت

می‌کند.

دانشگاه مستقل از زمینه اجتماعی خود نیست. از این رو هنجارها و

کنش‌های، دانشگاهیان نیز تحت تأثیر همین زمینه‌ها شکل می‌گیرد و بارور می‌شود.

پیچیدگی دیگر در این نکته نهفته است که دانشگاه به دو گروه از منابع فرهنگی

متصل است: منابع فرهنگی بیرونی و منابع فرهنگی تخصصی و فنی

دانشگاهیان، که بین آنها یک داد و ستد نامشهود در جریان است. در حقیقت

دانشگاه صحنه داد و ستد بین واقعیت و انتزاع (عین و ذهن) است. لذا تحلیل

فرآیندهای تولید و توزیع دانش در این نهاد منوط به تسلط اطلاعاتی بر این دو

جریان و شیوه تعامل آنهاست. (همان ، ص 11)

عناوین برخی از فصل‌های این کتاب عبارتند از: پرسش از ماهیت دانشگاه

ایرانی - توسعه علم در ایران، مسایل و پیش‌نیازها - ترویج علم - تعامل دانشگاه

و جامعه - علم تکنولوژی و جامعه - گذار از دانشگاه سنتی - دانشگاه، دین و

فرهنگ - دانشگاه اسلامی: نگاهی تاریخی اجتماعی - مهاجرت نخبگان - توسعه

مشارکت زنان در آموزش عالی - دانشگاه، گرایشهای قومی و همبستگی ملی -

بررسی جایگاه و کارکرد انجمنهای علمی - بررسی پدیده نابردباری در

محیطهای دانشجویی و ...

بخش پایانی این کتاب به گزارش کمیسیون تخصصی اتحادیه اروپا پیرامون

«علم، جامعه و شهروندان» اختصاص دارد که گزارشی نسبتاً مفصل و خواندنی

است.

2- نقد و ارزیابی کتاب:

ایده اصلی کتاب:

ایده اصلی کتاب، برجسته‌سازی نقشها و کارکردهای فرهنگی و اجتماعی

دانشگاه است. نویسنده تلاش دارد نگاه فرهنگی و اجتماعی به دانشگاه را به

خواننده القا کند. در این میان نگاه اقتصادی به این نهاد اجتماعی که دانشگاه را

بخشی از چرخه تولید اقتصادی تلقی می‌کند و سرمایه انسانی را صرفاً یک

نهاد در نظام اقتصادی می‌داند، نگاهی قدیمی ذکر شده است. هم‌چنین نگاه

سیاسی به دانشگاه که نقش آن را مشروعیت بخشی به دولت مدرن و تربیت

لشگر کارمندان برای تزریق به بدنه دیوان سالاری دولتی می‌داند، نگاهی ناکامل

و حاشیه‌ای تلقی شده است. در مقابل، نویسنده در فرآیند برجسته‌سازی نقش

اجتماعی دانشگاه، بر کارکردهایی چون «تولید نرم افزارهای تغییر اجتماعی»

«تولید معنا» «تربیت مدنی» « دیده‌بانی تحولات اجتماعی و «درونی کردن

هنجارهای مدرن» تأکید کرده است. در کنار آن برای کشورهای جهان سوم

کارکردهای جانبی دیگر برای دانشگاه از جمله: بومی‌سازی علم و فناوری ،

هدایت جریان توسعه، مواجهه با نیروهای ضد توسعه و شکستن مقاومت در

برابر تغییر تأکید گردیده است.

در حقیقت نگاه مؤلف به دانشگاه از زاویه مدل توسعه درون زاست. زیرا تنها

در این مدل است که دانشگاه می‌تواند به عنوان هسته پیشتاز تحولات اجتماعی

ویک نیروی پیشران کلیدی به تحول ساختارهای فرهنگی و اجتماعی کمک کند.

مباحث اصلی مرتبط با این ایده در کتاب عبارتند از: مقاله «آموزش عالی نگاهی

دیگر» (ص 15 تا 18)، مقاله «توسعه علم در ایران ، مسایل و پیش‌نیازها» (ص

33 تا 57) و مقاله «تعامل دانشگاه و جامعه» (ص 73 تا 105)

• به نظر می‌رسد مؤلف در تبیین ایده اصلی کتاب و توجه دادن مخاطب به ابعاد توسعه علمی

و کارکردهای اجتماعی دانشگاه موفق بوده است.

نویسنده، توسعه علمی را «ارتباط مستمر، هدفدار و متوازن بین علم و

تکنولوژی، آموزش و فرهنگ در یک جامعه» می‌داند و برای تدوین چارچوب

مسایل دانشگاه ایرانی و مضامین مطرح شده در کتاب:

نظری خود از مباحث ارائه شده توسط رابرت مرتون، گُل، ماکس شلر، باربرو

بخش عمده مباحث و مقالات این کتاب «مسأله شناسی آموزش عالی ایران»

کارل مانهایم بهره‌برداری نموده است. از نظر مؤلف پیش نیازها و مسایل عمده

است. طیف مسایل طرح شده در این مسأله شناسی نسبت به مطالعات شناخته

توسعه علمی در ایران عبارتند از: اجماع نظر در تعریف مفاهیم توسعه علمی -

شده در این زمینه متنوع‌تر و نگاه نویسنده نگاهی نسبتاً جامع است. اهم موارد

مطالعه جامع وضع موجود علم و فناوری - تدوین نظریه و الگوی توسعه

مورد بحث در این زمینه عبارتند از:

علمی - ایجاد تقاضا برای علم - تدوین برنامه تغییر - شکل‌گیری اراده سیاسی و

عزم ملی - مسأله تناسب و ارتباط طرح توسعه علمی با نیازهای کشور - رشد

منزلت اجتماعی دانشمندان - مسأله ساختارهای ناتمام و تکمیل روانه توسعه -

برونگرا شدن نهادهای علمی - ایفای نقش و کارکرد دولت و ...

از نظر مؤلف ، حرکت توسعه علمی در ایران حرکتی در دو جهت است که

مهم‌ترین و پر هزینه‌ترین آن تحول در سطح جامعه ، مراکز اجرایی و صنعتی،

نظام مدیریت و حوزه‌های سیاسی و فرهنگی است. یعنی حوزه‌هایی که

می‌تواند تقاضا و کشش برای علم و فناوری ایجاد کند. جهت دیگر این حرکت

متوجه نهادهای علمی است.

• ترویج علم

نویسنده برای دانشگاهها نیز در قلمرو ترویج علم مسئولیتهایی قائل

است. از این رو پس از ذکر برخی موانع ترویج علم در ایران از قبیل: فرهنگ

تقدیرگرایی ، تعمیم زهد شخصی به عرصه‌های اجتماعی، فراموش کردن منابع

فرهنگ ملی و دینی و ... به هزینه‌های فراوانی که بی‌توجهی به این مسأله بر

نظام اجتماعی ایران تحمیل می‌کند اشاره دارد. نویسنده سپس رئوس برخی

راهبردهای عملی برای ترویج علم در ایران را بر می‌شمرد.

● تعامل دانشگاه و جامعه

در این مقاله نویسنده هشت کارکرد اجتماعی را برای دانشگاه قایل شده

است از جمله: کاهش شکاف طبقاتی از طریق همگانی کردن علم- کاهش

آسیب‌های اجتماعی از طریق ارتقای آگاهیهای عمومی- برقراری نظم اجتماعی

درونی متکی به تعادل در نظام قشر بندی اجتماعی - اعمال نوعی نظارت

اجتماعی از طریق آموزش- هماهنگ‌تر شدن خرده فرهنگها- تحکیم روابط

قراردادی- معرفی ارزشهای مشترک- نقد سیاستهای عمومی و ...

در ادامه، سه دیدگاه بدبینانه، خوش‌بینانه و میانی پیرامون تعامل دانشگاه و

جامعه در ایران مطرح شده است. ظاهر امر این است که دیدگاه میانی که

معرف یک نگرانی حرفه‌ای و صنفی پیرامون ایفای کارکرد بهینه دانشگاه است،

دغدغه نویسنده است. وی ضمن بررسی ادبیات موضوع در ایران، چالش‌های

ناشی از تعامل دانشگاه و جامعه را برشمرده و تلاش نموده است برخی سوء

تفاهم‌ها را در زمینه ضعف ارتباط و تعامل دانشگاه‌های ایرانی با جامعه برطرف

نموده و انتظارات مخاطبان را تعدیل کند. در پایان این مقاله نیز راهکارهایی

برای افزایش تعامل پیشنهاد شده است. (ص 102 تا 104)

● دانشگاه، فرهنگ و دین

این مبحث شامل دو مقاله است. مقاله‌ای به همین نام و مقاله‌ای دیگر که

در زمینه دانشگاه اسلامی است. در مقاله نخست تلاش مؤلف، بیان ویژگی‌های

فرهنگی محیط دانشگاه و نقد روشهای فرهنگی موجود بویژه در عرصه

آموزشهای فرهنگی و دینی در محیطهای علمی است.

نویسنده این روشها را به سه دسته تقسیم نموده است: روشهای ناظر به

سازوکار نظام ارزشی، روشهای معطوف به نحوه پیام‌رسانی و روشهای معطوف

به توجه به محیط دانشگاه.

مؤلف ضمن ارائه یک آسیب شناسی وسیع در این زمینه ، راهبردهایی برای

حل و فصل مشکلات موجود در این زمینه ارائه کرده است. (ص 163 تا

(166)

در مقاله دوم مسأله دانشگاه اسلامی ابتدا از یک منظر تاریخی مطرح شده

است و در این زمینه نکات جالب توجهی از حیث تبارشناسی مسأله بیان شده

است از قبیل جنبش چینی کردن علوم در چین، استعمار زدایی از آموزش،

جنبش بازنویسی تاریخ هند و تلاشهای مشابه در پاکستان و مالزی و سپس

جریان انقلاب فرهنگی در ایران و مبحث اسلامی شدن دانشگاهها در مقطع

سالهای 1375 به بعد. بخش دیگر این مبحث به سنخ شناسی دیدگاهها و

جریانات فکری پیرامون دانشگاه اسلامی اختصاص یافته است.

● مهاجرت نخبگان

نویسنده در این مبحث ضمن کالبد شکافی مسأله از زبان آمار و ارقام ، ده

رویکرد نظری برای تبیین علل و عوامل مهاجرت نخبگان ارائه کرده است. در

بین این رویکردها مواردی چون نظریه محرومیت نسبی، نظریه مرکز- پیرامون،

توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی

•

نظام آموزش اقتباسی و نظریه بحران منزلتی تاکنون در ادبیات موجود در کشور

کمتر مورد توجه بوده است. در نهایت نویسنده، نظریه جاذبه-دافعه را دارای

فراگیری لازم برای توضیح پدیده مهاجرت نخبگان دانسته و به برخی

تحقیقات انجام شده در ایران اشاره می‌کند و نکات اصلی آنها را توضیح

می‌دهد. ویژگی این مبحث، ارائه یک جمع‌بندی از پژوهشهایی است که در

داخل کشور پیرامون موضوع انجام شده است. این مقاله حاوی نکات راهبردی

و کاربردی فراوانی برای مدیران و دست‌اندرکاران است.

این مبحث حاوی مجموعه‌ای کامل از دیدگاههای نظری و بررسیهای

آماري است. در بخش نظری سه دیدگاه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی -

اجتماعی طرح شده و سپس آموزه‌ها و تلاشهای بین‌المللی در زمینه موضوع

معرفی شده است.

در بخش تحلیل آماری تکیه اصلی نویسنده بر تحلیل روند (Trend Analysis)

به منظور نشان دادن سیر افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی در سالهای

اخیر بوده است. مقاله نشان می‌دهد در حالیکه تعداد دانشجویان دختر روندی

جهشی داشته است این تحول در بخش هیأت علمی و مدیریتهای دانشگاهی

رخ نداده است و بدین ترتیب این شکاف و فاصله به صورت برجسته در

آمارها خودنمایی می‌کند.

این بخش از کتاب از مباحث جالب توجه و جدید این مجموعه است. اتکا

نویسنده به تجارب عینی و عملی در کنار بیان جنبه‌های تئوریک قضیه در خور

توجه است.

- رشد گرایشهای قومی در دانشگاه

- بررسی جایگاه و کارکردهای انجمنهای علمی

نویسنده در این مقاله تاریخچه انجمنهای علمی از بیت الحکمه در قرن سوم تا

ششم هجری تا تأسیس انجمن سلطنتی انگلیس و فرهنگستان علوم پاریس و

سیر توسعه آنها در غرب و ایران را مطرح نموده و سپس کارکرد این انجمنها را

به دو دسته کارکردهای آشکار و پنهان تقسیم کرده است. از نظر نویسنده

انجمنهای علمی حلقه وصل و شاهراه ارتباطی بین دانشگاهها، دولت، نویسنده

در این مقاله تاریخچه انجمنهای علمی از بیت الحکمه در

• بررسی پدیده نابدباری در محیطهای دانشجویی

در این بخش ابتدا به مطالعه میدانی نویسنده پیرامون واکنشهای گروهی

و تنش زای رفتاری دانشجویان اشاراتی شده است. سپس عوامل فرهنگی،

اجتماعی و سیاسی تشدید خشونت، تنش و نابدباری در محیطهای دانشجویی

به صورت مؤلفه‌های جزئی‌تر کالبد شکافی شده است. در ادامه فرآیندهای

تأثیرگذار بر رفتار دانشجویان بیان شده و در نهایت «الگوی توسعه مشارکت»

بعنوان یک مدل جامع رفتاری که می‌تواند سه فرآیند اعتماد سازی، آگاهی

بخشی و توانمندسازی دانشجویان را تسریع نماید پیشنهاد شده است. در پایان

این مقاله روشهای مناسب برای افزایش سطح تحمل پذیری دانشجویان ارائه

گردیده است.

3- جمع‌بندی

خود آثار این تحولات را برشمرده است از جمله: جامعیت زدایی از دانشگاه ،

افزایش ظرفیت همکاری و مشارکت، ظهور ارائه کنندگان جدید آموزش عالی،

تجاری کردن آموزش و ... (نک به : ایکنبری، دانشگاه در عصر اطلاعات)

نویسنده در مجموعه حاضر حجم فراوانی از ایده‌ها پیرامون مسایل

آموزش عالی و دانشگاه را ارائه می‌کند . هرچند ایشان در معرفی این ایده‌ها

سنگ تمام گذاشته است اما در کالبد شکافی تفصیلی آنها با حوصله کمتری به

موضوع پرداخته است. شاید دلیل آن گردآوری یک مجموعه مقالات متنوع در

در مجموع باید گفت نویسنده در ارائه یک مسأله شناسی وسیع از مسایل

آموزش عالی ایران موفق بوده است. البته ضعف کتاب در انحصار این

مسأله‌شناسی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی است. از این رو مقوله «آموزش» و

تأثیرات اجتماعی آن در حاشیه قرار گرفته است.

از دیگر نواقص موجود، کم توجهی نویسنده به مقوله عصر اطلاعات و

تأثیرات شگرف آن بر ساختار و کارکرد آموزش عالی است. ایکنبری در مقاله

قالب یک کتاب باشد. اکنون به صورت گذرا نکات قوت و ضعف این اثر را

مرور می‌کنیم:

شده است. نقیصه دیگر این مجموعه فقدان طرح آراء و نظریات متفکران این

شاخه علمی در جهان و مرور سیر تکامل نظریه‌های جامعه‌شناسی

آموزش عالی است. هرچند مؤلف در برخی از مقالات به تناسب موضوع به

مباحث و رویکردهای نظری اشاره نموده است اما تئوریهایی که مشخصاً

الف- نکات ضعف:

این اثر فاقد یک چارچوب نظری جامع در زمینه جامعه‌شناسی آموزش عالی

مبحث کلی جامعه‌شناسی آموزش عالی را در فصول جداگانه‌ای مورد کنکاش و

است. علت این نقیصه می‌تواند این موضوع باشد که اثر حاضر صرفاً یک

بررسی مستقل قرار دهد طرح نشده است. علاوه بر اینها برخی مقالات این

مجموعه مقالات بوده که به تدریج و به مناسبت‌های مختلف تهیه و تدوین

مجموعه مرتبط با مباحث مدیریت آموزش عالی است (مانند مقاله یک بیانیه

نظری برای مدیریت توسعه علم در ایران) و ارتباط وثیقی با جامعه‌شناسی

آموزش‌عالی ندارد. (ص 59 کتاب) این نقیصه در آثار مشابهی چون کتاب

«موانع رشد علمی ایران و راه حل‌های آن» نوشته دکتر فرامرزی رفیع پور نیز

است. (نگاه کنید به : رفیع پور صص 119 - 81)

در نهایت اثر حاضر دارای اشکالات ویرایشی است و متن آن یکدست و

یکپارچه نیست.

ب- نکات قوت:

اصولاً طرح عنوان «جامعه‌شناسی آموزش‌عالی» مبارک و میمون است و به

بالندگی و غنا و توسعه جامعه‌شناسی به معنای اعم هم کمک می‌کند. نام

کتاب نیز جذاب ، کوتاه و مخاطب‌گراست. از طرفی این اثر دارای مباحث

جدید و کاربردی است . این تازگی و طراوت بویژه در مقالاتی چون: دانشگاه

و گرایشهای قومی- بررسی پدیده نابرداری در محیطهای دانشجویی و ...

مشهود است . تنوع موضوعات و جامعیت نسبی اثر از دیگر نکات قوت آن

است. کتاب « دانشگاه ایرانی» به صورت نسبی در تلفیق ابعاد تئوریک و

تجربیات کاربردی و عملی نویسنده در بیشتر مقالات موفق بوده است. بویژه

آنکه نویسنده اثر اذعان دارند سالهای طولانی در ستاد آموزش عالی کشور و

دانشگاهها مسئولیتهای علمی و اجرایی داشته است.

نگاه بیطرفانه و تاریخی به مقوله دانشگاه اسلامی نیز در این کتاب جالب توجه

است، زیرا قریب به اتفاق مقالاتی که تاکنون در این زمینه منتشر شده‌اند به

ورطه افراط و تفریط افتاده‌اند. نگاه انتقادی و تحلیلی نویسنده (که بعضاً با

نقدهای رادیکال همراه است) در مقاله «دانشگاه، دین و فرهنگ» هم هرچند

بیطرفانه نیست اما نویسنده دارای موضع مشخص و نگاهی دلسوزانه و آسیب

شناسانه و تحلیلی است. (ص 143 به بعد)

در مجموع مطالعه این اثر برای کسانی که مسئولیتهایی در نظام آموزش عالی

کشور دارند، همچنین استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته‌های

جامعه‌شناسی، مدیریت و علوم سیاسی و پژوهشگران مرتبط با این رشته‌ها

مغتنم و قابل استفاده است.

منابع:

- ایکنبری، استانلی- دانشگاه در عصر اطلاعات در مجموعه

مقالات دانشگاه و محیط پیرامون - وزارت علوم، تحقیقات و

فنآوری - 1381

- رفیع پور، فرامرز، موانع رشد علمی ایران و راه‌حل‌های آن -

- شرکت سهامی انتشارات - 1381